

روزنه

بیم و امیدها در سالگرد انقلاب لیبی

● شخصیت‌های اسلامی لیبی نسبت به تنش‌های ناشی از تظاهراتی که نهادهای جامعه مدنی فرخوان آن را دادند هشدار می‌دهند. قرار است به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب لیبی که سرانجام به سقوط رژیم دیکتاتوری سرهنگ معمر قذافی منجر شد مردم این کشور با برگزاری تظاهرات و مراسم یادبود آن را جشن بگیرند. حزب «عدالت و سازندگی» که نزدیک به گروه اخوان المسلمین است با صدور بیانیه‌ای نسبت به وقوع حوادث غیر منظره در جریان این تظاهرات هشدار داد و گفت ممکن است درگیری‌هایی به وقوع بپیوندد که باعث خونریزی شده و گروه‌های از این مراسم به عنوان پوششی برای اعمال خرابکارانه و لطمه‌زدن به اماکن دولتی و غیردولتی استفاده کنند.
کما اینکه این حزب از مردم لیبی خواست «مشروعیت پارلمانی را که اعضایش از طریق صندوق‌های رای انتخاب شده‌اند زیرسوال نبرند.»
ولید ماضی» رئیس کمیته اجرایی این حزب می‌گوید برگزاری تظاهرات مسالمت‌آمیز سیاسی مشکلی ندارد و جای نگرانی برای آن نیست. به گفته او پارلمان کنونی و دولت موقت برآمده از این پارلمان مشروعیت دارد و درمرحله «حساس» کنونی وظیفه‌شان اداره امور کشور است. بنابراین نباید مشروعیت پارلمان را زیرسوال برد و روند سیاسی کنونی در کشور را مخدوش کرد. وی می‌افزاید حزب‌شان در تماس دائم با همه طرف‌های سیاسی –از جمله فراکسیون‌های طرفدار تاسیس یک نظام فدرالی – است تا از این بحران خارج شوند و زمینه‌ای برای گفت‌وگو بین همه گرایش‌های سیاسی فراهم شود. هدف از این کار جلوگیری از برخوردهای احتمالی و وقوع تنش و درگیری‌های جدید بین لیبیایی‌ها بیان شده‌است.

عدم خشونت

«علی الصلائی» یکی از روحانیون اسلامی لیبی می‌گوید ملت لیبی سالگرد پیروزی انقلاب خود را به خوبی پشت سر خواهد گذاشت، مردم ما با خشونت مخالف هستند و نمی‌خواهند از این طریق دیدگاه‌های سیاسی خود را بر دیگران تحمیل کنند. هر کس از زور استفاده کند خودش را بین مردم و جامعه منزوی خواهد کرد. «عبدالله‌ای شماطه» دبیرکل «انجمن انقلابیون لیبی» نیز می‌گوید موضع صریح و روشن ما این است که هیچ‌کس نمی‌تواند با خشونت تظاهرات کنند گرفته شود. وی اما براین نکته تأکید می‌ورزد که باید در مقابل اجازه نداد به تغییر او «وجه‌های نظام سلبی» و مزدورانش آزاد باشند که هر کاری می‌خواهند و بکنند و یا خرابکارها و در صفوف تظاهرات کنندگان شوند و از آن سواستفاده کنند. وی درعین حال از یک نقشه راه سیاسی سخن می‌گوید که طبق آن باید یک قضایه اصلاح و گروه‌های مسلح خلع سلاح شوند و ی همچنین می‌گوید در کشور باید نظامی غیرمتمرکز به‌وجود آید و کمیته تدوین قانون اساسی از ۶۰ عضو فعلی به ۹۰ عضو ارتقا یابد تا بتوان به صورت مساوی کرسی‌های آن را بین شرق و غرب و جنوب و شمال کشور تقسیم کرد تا در آینده بحرانی به وجود نیاید. «محمد بوسدر» که یک عضو گروه‌ای اسلامگراست می‌گوید نباید در دوران جدید دهان‌ها را بست. وی می‌افزاید لیبی ۴۲ سال در سکوت و خفگان بوده و کسی اجازه نداشته تظاهرات کند مگر اینکه چنین تظاهراتی در بنیاد نظام خود را بشکند. حالا باید به مردم اجازه داده شود که اعتراضات خود را بیان کنند. وی نیز در همان حال نگران است اعوان واصل بوسدر» که یک عضو گروه‌ای اسلامگرایست پیش در صفحات فیس‌بوک و سایر رسانه‌های مجازی به شدت فعال شده‌اند. به گفته او حمزه‌لتاهی می‌گویند دوران قذافی که با کلاتشیکوف به جان مردم افتاده بود حالا گفته است خودش روز تظاهرات (روز پیروزی انقلاب لیبی) به میان خواهد آمد تا ببینیه آزادی لیبی را از دست «موش‌ها» و مزدوران ناتو» قلم کند.
اصطلاح موش‌ها به مزدوران ناتو تعبیرهایی بود که سرهنگ معمر قذافی درباره مخالفانش به کار می‌برد و آنها را موش خطاب می‌کرد. بوسدره همچنین اشاره می‌کند که صالح سلطان القذافی رئیس پیشین زندان ابوسلیم در دوران قذافی که بعدها دستگیر شد هم اکنون بین بنغازی و شهرهای دیگر در رفت‌وآمد است و از هسته‌های پنهان مقاومت حرف می‌زند و می‌گوید برای چنین روزی خود را آماده کرده‌اند.

آمادگی برای کودتا

بوسدره همچنین با اشاره به بیانیه‌های منسوب به نهادهای جامعه مدنی و افراد مجهول الهویه‌ای که خود را برای انجام کودتا و متحل کردن کنگره ملی لیبی آماده کرده‌اند می‌گوید اطلاعات امنیتی حاکی از آن است که افرادی دارند برای انفجار بانک‌ها و مناطق حیاتی دیگر در بنغازی تدارک می‌بینند. وی در پایان تأکید می‌کند که اما مهین پرستان کشورشان را ترک نخواهند کرد. درمجموع فعالان سیاسی لیبی نگران تکرار سناریوی «جمعه نجات بنغازی» هستند که چندماه پیش اجرا شد و تظاهرات مسالمت‌آمیز مردم به اعمال خشونت آمیز و تلام منجر گردید. یکی از این فعالان می‌گوید گردان‌های انقلابی – که به نوعی بازوی نظامی نیروهای اسلامگرای کشور به شمار می‌روند- «دست بسته نخواهند ماند» و پاسخ این گونه اقدامات مشکوک را خواهند داد. لیبیایی‌ها از کمیته تدوین قانون اساسی کشور می‌خواهند هرچه زودتر این قانون نوشته شود و در آن قیایای نظام گذشته را از قدرت خلع کرده و امنیت را تحکیم و اوضاع معیشتی مردم را بهبود بخشند. درشهر بنغازی (مرکز اولیه انقلاب) نهادهای جامعه مدنی همچنان به داده ۱۸۸ قانون اساسی سال ۱۹۵۱ استناد می‌کنند که مقرر می‌کند پارلیس و بنغازی هردو پایتخت کشور باشند. این نهادهایخواستار نظام غیرمتمرکز هستند و می‌گویند باید نهادهای دولتی به تمام شهرها تقسیم شده و ادارات نفت و هواپیمایی به بنغازی منتقل گردد. از آن گذشته باید اصل حسابرگی اعمال شده و دولت آینده تحت یک کمیته بازرسی قرار گیرد. همچنین به گفته آنها شریعت اسلامی باید تنها منبع قانونگذاری باشد و درباره این اصل هیچ گونه فرادولمی صورت نگیرد.

منبع:الجزیره

پس از ۱۳ سال فراموشی، یکبار دیگر عبدالله اوجلان، رهبر کرد زندانی در جزیره‌ای دور افتاده در میان دریای مرمره، به صحنه سیاسی ترکیه بازگشته و به عنوان یک بازیگر اصلی در مسایل داخلی و منطقه‌ای این کشور به ایفای نقش می‌پردازد.

وضعیت اوجلان در زندان تاکنون شاهد تحولات زیادی بوده است. پس از آنکه روزنامه‌ها و مجلات از گفت‌وگوی برادرش در زندان صحبت به میان آوردند، تلویزیون رسمی ترکیه نیز به اتاق او در زندان «امرالی» سرک کشید. گرچه شرایط اوجلان درپی گفت‌وگوهای مقامات اطلاعاتی ترکیه با او در زندان می‌رفت که کلی بهبود پیدا کند اما کشته‌شدن چند فعال کرد در پاریس تا حدودی این روند را به رکود کشاند. «رجب طیب اردوغان» نخست‌وزیر ترکیه هنوز هم به شدت با خارج کردن اوجلان از زندان حتی برای یک اقامت اجباری و تحت نظر مخالف است. اوجلان، کسی که به گفته نزدیکانش عاشق طبیعت است همچنان مثل «آتاتورک» که پدر معنوی ترکیه‌ها به شمار می‌رود، رویای «پدر» معنوی کردهای ترکیه را در سر می‌پروراند با این تفکات که به او به جای پدر، «عمو» می‌گویند. «محمدعلی بیراند» که یک روزنامه‌نگار ترک است و در سال‌های دهه ۸۰ قرن‌گذشته دوبار با او در لبنان و سوریه دیدار داشت، می‌گوید: «او واقعا یک رهبر است و حرفش حجت را تمام می‌کند. اوجلان یک جنگجو با کارشناس امور نیروهای پارتیزانی نیست بلکه یک مغز متفکر است که می‌کوشد تا مشکل کردها را حل کند. او می‌خواهد رهبر همه کردها باشد. این تصویری است که او از خود ارایه می‌دهد.» محمد، برادر اوجلان پس از دیدار اخیرش با او در زندان به روزنامه‌نگاران گفت: او از نظر روحی حالش خوب است... می‌تواند حوادث دنیا و ترکیه و منطقه را به شکلی بسیار خوب تحلیل کند، او هیچ مشکلی از نظر جسمی ندارد. از نظر روحی و جسمی حالش کاملا خوب است. رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه که هر گونه گفت‌وگو با کردهای اعتصاب‌کننده را رد می‌کرد و اعتراض‌شان را نوعی باج‌خواهی تاجران مرگ توصیف می‌کرد درنهایت دست به دامن اوجلان شد، نخست‌وزیر ترکیه البته این مساله را رد می‌کند و می‌گوید هیچ وعده‌ای به رهبر زندانی کردها نداده است. وی به خبرنگاران گفت: «اصلا چنین اتفاقی نیفتاده است.» درعین حال اردوغان پیشنهاد داد گفت‌وگوهای بیشتری بین مقامات امنیتی ترکیه با حزب کارگران کردستان صورت گیرد. اطلاعاتی که سالال گذشته منتشر شد نشان می‌دهد مقامات اطلاعاتی ترکیه بارها نشست‌های مخفی با جانشینان حزب «سلو» داشته‌اند.

مساله سوریه

از یک نگاه دیگر می‌توان تصویری را مرور کرد که در آنها اوجلان را نشان می‌دهد که در کنار مرزهای ترکیه با سوریه دارد به مناطق دارای اکثریت کردنشین سوریه چشم می‌دوزد. یعنی مناطقی که اخیرانورهای نظامی سوریه به خاطر کردها از آنجا عقب‌نشینی کردند. گفته می‌شود حزب «کارگران کردستان» ترکیه در این مناطق فعالیت گسترده‌ای دارد. همین امر دولت ترکیه را مجبور کرد تا از پارلمان اجازه دخالت ارش در مناطق پادشده را هر گاه که خواست بگیرد. هرچند دولت ترکیه تاکنون از چنین اجازه‌ای استفاده نکرده است اما شتاب حوادث و تعیین وضعیت تازه ارباز کرد و ارتش ترکیه در مناطق مختلفی که دارای اکثریت کردی است تا حدودی یک شرایط جدید را به تصویر می‌کشد. ترکیه نگران آن است که سوریه به‌دلیل دخالت‌های ترکیه در حوادث سوریه از این تشکیلات که در فهرست گروه‌های تروریستی ترکیه، آمریکا و اتحادیه اروپا قرار دارد سواستفاده کنند.
کما اینکه منابع ترک پیشتر گفته بودند نامه‌هایی بین رهبران سوریه و اوجلان رد و بدل شد که در آنها به نیروهای کرد پیشنهاد می‌شد که از سوی ارتش سوریه داده شده است البته به این شرط که کاری کنند کردهای سوریه علیه‌نظام اقدام نکنند. از این رو برخی از رهبران گروه‌های مخالف سوریه نسبت به تحرکات

اخیر حزب دموکرات کردهای سوریه که تقریبا همه‌رديف با حزب کارگران به رهبری عبدالله اوجلان است ابراز نگرانی می‌کنند. آنها معتقدند عناصری از این حزب با تعدادی از نیروهای «ارتش آزاد سوریه» در هنگام ورود به شهر مرزی پس اوجلان به روسیه رفت اما قورا به اروپا بازگشت. در ایتالیا همس دولتی شد که کمونیست‌های با نفوذی آن را هدایت می‌کردند. اما بعدها در اثر فشارهای ترکیه مجبور به رفتن به آفریقا شد. درنهایت این سازمان اطلاعات ترکیه بود که در فرودگاه «تایرونی» او را دستگیر کرد. عملیاتی که همچنان ابهام‌آمیز است و گفته می‌شود سازمان اطلاعات اسرائیل نیز در آن نقش مهمی داشته است.

زندگی شخصی

اوجلان در چهارم آوریل ۱۹۴۸ در منطقه اورفه واقع در جنوب‌ترکیه متولد شد. بین طرفدارانش به «پو» معروف است. گفته می‌شود اصل این نام‌گذاری به زبان کردی بازمی‌گردد. زیرا این کلمه معنای «عمو» می‌دهد اما برخی می‌گویند این خلاصه نام «عبدالله» است. عبدالله اوجلان ابتدا به شدت تحت‌تأثیر کودتای سال ۱۹۶۰ بود. درآن زمان وی مرحله ابتدایی را طی می‌کرد و دریافت که ارتش، منبع اساسی قدرت است. برای همین آرزو داشت روزی فرمانده نیروی هوایی شود.

در سال ۱۹۶۳ دوران ابتدایی تحصیل را سپری کرد. با وجود اینکه دوست داشت تحصیل خود را تا دیپلم ادامه دهد اما فقر و ننداری او را در معرض دو گزینه قرار داد: یا اینکه به دبیرستان دولتی برود یا موسسات حرفه‌ای. بنابراین گزینه دوم را انتخاب کرد و موفق شد «قشمبرداری» را در

دو سال بعد از سقوط دیکتاتور؛ مصر همچنان ناآرام است

جدال در خیابان

حمید کوشکی



انتخابات کردند که ۳۸درصد آنها به قانونی اساسی جدید رای دارند. این رقم معادل حدود ۱۰ میلیون نفر جمعیت مصر می‌شود. این در حالی است که جمعیت واجد شرایط مصر برای شرکت در قاتون مهب‌پرسی بیش از ۱۵۱میلیون نفر اعلام شده بود. در واقع قانونی اساسی که اخوانی‌ها تدوین کردند با حمایت دارند قلمداد کنند. بر اساس این طرز تلقی نادرست است که مرسی بعد از به قدرت رسیدن ضمن برکناری دادستان کل، اعلام کرد که دستگاه قضایی، حق مخالفت با دستورات رییس‌جمهور را ندارد و این دستورات تا تدوین قانون اساسی و برگزاری انتخابات پارلمانی، لازم‌الاجراست. مرسی بر اساس نگرش نادرستی که از پیروزی‌اش در انتخابات رییس‌جمهوری به دست آورده بود با این اقدام، عملا اختیارات جدیدی را برای خود تعریف کرد که از دید مخالفان معایر قانون بود. هر چند در نهایت مرسی از اجرای این قانون عقب نشست اما چنین اقداماتی نشان داد که تلقی وی و در کل اخوانی‌ها از دموکراسی

مدرسه تحصیل کند. بعد در سال ۱۹۷۰ در «دیار یکر» به عنوان یک کارمند فنی در اداره نقشه‌برداری آنجا مشغول به کار شد. هر از چندگاهی در بحث‌های مربوط به کردها شرکت می‌کرد اما هدف اصلی‌اش در آن مرحله رفتن به دانشگاه بود. به این ترتیب به دانشگاه آنکارا راه یافت و در آنجا علومسیاسی خواند اما به دلیل فشارهای سیاسی مجبور شد درس خود را نیمه‌کاره رها کرده و دوباره به شهر دیار یکر بازگردد. در همان دوران تحصیل دانشگاه بود که برای مدت شش‌ماه به زندان افتاد زیرا در یکی از اعتصاب‌ها شرکت کرده بود. گفته می‌شود اوجلان به القایت کردهای علوی (شیعه) وابسته‌است اما دوستدارانش می‌گویند او سنی‌مذهب است. وی در بین جنبش‌های مختلف ازجمله اسلامگرایان پرسرزد تا درنهایت نظرهاگه چپ را برگزید و از آنجا بود که به فکر تاسیس یک سازمان جدید در سال ۱۹۷۸ با شمار «آزادی کردستان» افتاد. اوجلان نسبت به قومیت کردها تعصب خاصی داشت و فعالانه برای آنها مبارزه می‌کرد. در سال ۱۹۷۸ حزب کارگران کردمنستان را تاسیس کرد و تاکنون رهبر این جریان بوده‌است. در سال ۱۹۸۴ بود که حزبش عملیات نظامی خود را با هدف تاسیس یک وطن قومی کرد شروع کرد.

زندان امرالی»

بعد از بازداشت، سازمان اطلاعات ترکیه تصویری را از اوجلان با چشم‌شان و دست‌های بسته و محاصره در بین سربازان منتشر کرد. وی بلافاصله پس از آن به زندان افرادی در جزیره «امرالی» در دریای«مرمره» ترکیه منتقل شد. جایی که هنوز هم در آن زندانی است. اوجلان با غلرخواهی غیرمنتظره‌اش در برابر خانواده قربانیانی که در طول نزاع با ارتش ترکیه کشته شده و تعدادشان به ۴۰هزار نفر می‌رسید نداشت جز اینکه او را به‌دلیل نفرتی که ترک‌ها نسبت به او داشتند به اعدام محکوم کند. پس از محاکمه به گونه‌ای که تلویزیون ترکیه تصاویر آن را پخش می‌کرد، کسانی در خارج از دادگاه فریاد می‌زدند او را حلق‌آویز کنید!اگر او اعدام می‌شد نخستین زندانی بود که بعد از ۲۵سال در ترکیه اعدام می‌شد. اما حکم او به دلیل فشارهای اتحادیه اروپا و کشورهای غربی متوقف گردید و بعد از آن بود که حکم اعدام او به «زندان آید» تقلیل پیدا کرد. ترکیه در سال ۲۰۰۲ به منظور تطبیق قوانین خود با قوانین اروپایی مجبور شد حکم اعدام را در این کشور لغو کند. زندان افرادی اوجلان نیز در سال ۲۰۰۹ تغییر کرد و پنج زندانی جدید به این زندان منتقل شدند. طی سال‌های گذشته تعدادی با اوجلان در زندان دیدار داشته‌اند و کلاش می‌گویند این می‌تواند از تلفن یا تلویزیون استفاده کند و روزنامه‌هایی که دراختیار او گذاشته می‌شود ازقبل کنترل می‌شود. در سال ۲۰۰۶ اوجلان به منظور ایجاد آشنی از طریق وکیلش «ابراهیم ییلمز» خواستار برقراری آتش‌بس بین مبارزان کرد و نیروهای ارتش ترکیه شد. همچنین اوجلان از حزب خود خواست سلاح را جز در موارد دفاع از خود بکار نبرند و براین نکته تأکید کرد که باید بین کردهای ترکیه و دولت روابط خوبی برقرار شود.

اوجلان ابتدا درسال ۱۹۷۲ با رفیق هم‌رزم خود «کسیره یلدرم» ازدواج کرد. فردی که او در تاسیس حزب کارگران مشارکت داشت اما بعد از ۱۰ سال معلوم شد آن دو با هم « تفاهم» ندارند. برخی از رهبران کردستان این جدایی را زیر سؤال سازمان بازدارنده «عبدالله» است. عبدالله اوجلان عملیات قتل و باکسازی رهبران کرد متهم می‌کنند. اوجلان به ادبیات علاقه زیادی دارد. حتی دوستانش می‌گویند استادتیش در دانشگاه این ویژگی او را ستایش می‌کردند و از دیگران نیز می‌خواستند از او پیروی کنند و همین امر به او اعتمادبه‌نفس خاصی می‌داد. بخشی از تمایل او به ادبیات را می‌توان در «نامه‌های طوایفی» او به دادگاه اروپا و با مقالاتی دید که در نشریات سازمان منتشر می‌کرد.

منبع:الشرق الاوسط

در تضاد با ذات دموکراسی و متفاوت با آن چیزی است که جوانان مصری می‌خواهند. تصمیم جدید محمد مرسی با واکنش گروه‌های مختلف مصر مواجه و سنگ بنای اعتراضات آنها و طرفدارانشان علیه سیاست‌های او شد. مخالفان به حدی در تصمیم مرسی به خشم آمدند که وی را دیکتاتور و فرعون جدید مصر نامیدند. محمد البرادعی رئیس حزب المستور، عمرو موسی و مدین صباغی از نامزدهای سابق انتخابات ریاست‌جمهوری مصر همان زمان با حضور در یک کنفرانس خبری در مقر حزب الوفد اعلام کردند که تصمیمات جدید مرسی به مثابه چیرگی بر تمامی اهرم‌های قدرت محسوب می‌شود و کودتا علیه مشروعیتی است که باعث روی کار آمدن مرسی در قدرت شده است. البته شاید گناه اصلی بر گردن کسانی است که در انتخابات شرکت نکرده و اعلام کردند با عدم شرکت مخالفت خود را با قانون اساسی جدید و سیاست اخوانی‌ها اعلام کنند. این امر سبب شد تا اخوانی‌ها در انتخابات برگزار شده دست بالا را داشته و همین امر را بهانه برقراری نظم سیاسی دلخواه خود قرار دهند. طبیعی است این نگرش و تلقی مرسی و اخوانی‌ها در جامعه‌ای که برای رسیدن به آزادی انقلاب کرده باعث تنش و درگیری می‌شود. انقلابیون دنبال سهم خود از قدرت هستند.اخوان المسلمین قدیمی‌ترین حزب و گروه سیاسی در مصر است. آنها شاید به خاطر سابقه ۸۰ ساله کار و فعالیت سیاسی خود را مستحق قدرت بدانند اما در طرف دیگر ماجرا بسیاری از انقلابیون مصری نیز نقش چندانى برای آنها در انقلاب مصر قابل بیستند. البته هنوز هم اخوانی‌ها اساسا در شکل‌گیری این گروه در کشور هستند دنبال نقش چندانى نداشته و اعتقادی به مبارزه این‌چنینی با حکومت نداشته‌اند. چندین دهه جدال با حکومت از آنها چهره‌های محافظه‌کار و تا حدی بدبین ساخته بود که امید چندانى به سرنگونی حسنى مبارک از طریق اعتراضات بدون رهبری در خیابان‌ها نداشته‌اند. انقلابیون اما وقتی حالا شاهد قبضه تدریجی قدرت توسط این گروه در کشور هستند دنبال هر بهانه‌ای هستند تا به خیابان‌ها بیایند. حتی اگر این قبضه قدرت بر کمک روش‌های کاملا دموکراتیک یعنی انتخابات صورت گرفته باشد. جوان انقلابی خوب می‌دانند که این اقدام اخوانی‌ها در تضاد با ذات دموکراسی است و دموکراسی وقتی واقعی است که متافع همه گروه‌های جامعه در آن لحاظ شود و نظر نمی‌رسد تا چنین همه‌توان به ثبات سیاسی پایدار در مصر و بازگشت جوانان به خانه‌های‌شان چندان امیدوار بود.

دریچه

وحشت در سوماتی

در پی زندانی شدن روز نامه‌نگاران

● از سبتمبر ۲۰۱۲ که دولت سوماتی به قدرت رسید، رسانه‌ها با تهدیدی روزافزون مواجه هستند. وضعیت روزنامه‌نگاران در ایستگاه رادیویی دالسان در موگادیشو، پایتخت این کشور، اسفناک است. عبدالعزیز عبدالنور ابراهیم، روزنامه‌نگار ارشد این ایستگاه به جرم مصاحبه با زنی که ادعا می‌کرد سربازان دولتی به او تجاوز کرده‌اند به یک سال زندان محکوم شد. نهادهای دولتی به ابراهیم حمله کردند و دادگاه اعلام کرد که ابراهیم آن زن را تشویق کرده که شواهد دروغین ارایه کند. پیش از حکم دادگاه، ابراهیم ۲۵ روز را بدون محاکمه در زندان گذراند. محمود محمد دهیر، گوینده محبوب رادیو و دوست نزدیک ابراهیم می‌گوید «همه ترسیده‌اند؛ امکان دارد تنها به دلیل مصاحبه‌ای به زندان بفتنی، چنین چیزی قبلا سابقه نداشت. شاید به همین دلیل کارم را ترک کنم.»سوماتی یکی از ناامن‌ترین کشورها برای روزنامه‌نگاری است. بیش از ۵۰ روزنامه‌نگار به این‌سو در این کشور کشته شده‌اند. از آغاز سال جاری نیز دست‌کم یک روزنامه‌نگار دیگر در موگادیشو کشته شده است. تاکنون هیچ‌کس به اتهام این قتل دستگیر نشده است. ابراهیم سومین روزنامه‌نگاری است که در سهماء گذشته به زندان افتاده است. داود عبدالود، روزنامه‌نگار مستقل، ۵ فوریه بازداشت شد و همچنان در زندان است. هنوز به طور رسمی علت بازداشت او اعلام نشده است. گزارش‌گران بدون مرز، سازمان غیرانتفاعی که مقر آن در پاریس است و از آزادی رسانه و جریان آزاد اطلاعات حمایت می‌کند، سوماتی را در رتبه ۱۷۵ در میان ۱۷۹ کشور به لحاظ شاخص آزادی رسانه‌ها رتبه‌بندی کرده است. پایین‌تر از چین و ایران و کمی بالاتر از ترکیه شمالی، برای اولین بار پس از ۲۰ سال، سوماتی رئیس‌جمهوری منتخب دارد که در جامعه بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است. همچنین اخیرا قانون اساسی تصویب شده و پس از سال‌ها برای نخستین‌بار دادگاه در این کشور کار می‌کند اما نتوانسته افراد مسلح جان‌شناس را از قتل و تیرور روزنامه‌نگاران بازدارد. محمدابراهیم دبیر اتحادیه‌های روزنامه‌نگاران سوماتی می‌گوید: «از زمانی که دولت جدید روی کار آمده است تاکنون ۹ روزنامه‌نگار کشته شده‌اند، شش تنی آنها در همان ماه نخست (سپتامبر) کشته شدند.» شبه نظامیان و گروه‌های بنیادگرای افراطی، هنوز بخش قابل‌توجهی از کشور را در کنترل خود دارند. در سال گذشته، چهار روزنامه‌نگار از مجموع ۱۸ روزنامه‌نگار در مناطق خارج از کنترل دولت مرکزی کشته شده‌اند. پس از سقوط دولت مرکزی سوماتی در سال ۱۹۹۰، روزنامه‌نگاران بیش از هر گروه دیگری از نظر دور ماندند. دولت جدید به این مساله واقف است. «الشکور» که علیه قلم‌هجوم وزیر بست، اطلاعات و ترورسم می‌گوید «اسام‌های سوز روزنامه‌نگاران هر چه دلشان می‌خواسته می‌نوشتند، چه واقعیت چه تحیل» او می‌افزاید: «چنین تخیلاتی گاهی نفرت پراکنی و شایعات خطرناک هم بوده، بدون اینکه عواقبی متوجه روزنامه‌نگاران باشد. آنها از آذیادیشان سواستفاده می‌کردند. حالا دادگاه و قانون اساسی داریم و کسانی که از حقوق اساسی‌شان سوءاستفاده کنند بدون مجازات نخواهند ماند. دادگاه به حساب روزنامه‌نگارانی که داستان تخیلی بنویسند خواهد رسید.» در حال حاضر هم روزنامه‌نگاران و هم دولت، تجربه جدیدی از سر می‌گذرانند. دولت تنها چندماه است که به قدرت رسیده است و روزنامه‌نگارها هم برای اولین‌بار پس از دو دهه است که سازماندهی می‌شوند. عویل ابوکار، سردبیر شبکه تلویزیونی رویال –تلویزیونی محلی– می‌گوید: «این دولت با همه دولت‌های پیش از خود در سوماتی متفاوت است. آن موقع که برای این دولت کمپین انتخاباتی راه انداخته بودیم، خیلی با روزنامه‌نگارها رفیق به نظر می‌رسید، ولی حالا که به به قدرت رسیده‌اند، انگار می‌خواهند تا جایی که ممکن است ما را از سر باز کنند.» با این حال دولت ادعا می‌کند که به آزادی مطبوعات متعهد است و برای اولین‌بار دادگاهی تشکیل داده که متحصرا به جرایم مربوط به خشونت علیه روزنامه‌نگاران رسیدگی می‌کند. عبدالشکور علی می‌گوید «هیچ‌کس نمی‌تواند جلوی روزنامه‌نگارها را بگیرد که آزاده فعالیت نکنند. این حق است که در قانون اساسی آمده است. ما هر کاری می‌کنیم که از این حق حمایت کنیم.» از میان ۳۲ روزنامه‌نگاری که در رادیوی دالسان به عنوان خبرنگار کار می‌کردند، تنها نیمه‌ای از آنها روز بعد از محکوم شدن ابراهیم سرکارشان آمدند. حسن علی قسی، یکی از کارگردانان این رادیو می‌گوید: «آنها ترسیده‌اند و روحیه‌شان را باختند. عبدالعزیز تنها همکار ما نبود، او خیلی محبوب بود. همه روزنامه‌نگارها خوشاوند و عزیزی دارند که در شرایطی که ریسک کار این قدر بالاست، نمی‌خواهند آنها را نگران کنند.» اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران سوماتی می‌گوید دولت جدید باید هرکاری می‌کند که تصویرش در جامعه بین‌المللی و انجمن‌های کمک‌کننده مخدوش نشود. این اتحادیه در حمایت از ابراهیم می‌گوید: «دولت را عتاب می‌خواهد روزنامه‌نگاران را از کار بازدارد. برای اینکه ما را از کندوکاو در کارهایش بازدارد، داستان‌هایی از خودش می‌سازد که در قضا می‌تواند چهره دولت را مخدوش کند.» محمد دهیر که در کنج خالی استودیو نشسته و به این فکر می‌کند که چگونه از دستگیر شدنش بگریزد، می‌گوید: «بگر خیال ندارم درباره تجاوز و فساد گزارش تهیه کنم. خانوادام بیشتر دوست دارند مرا بیرون زندان ببینند تا درون آن.»